

شکل دهی به این رژیم نوپدید داشت.

با فروپاشی آخرین امپراتوری در این پهنه، توزیع قدرت و قواعد به سرعت متحول شد؛ از یک سو مهم ترین دشمن چین و تهدید شماره یک امنیت ملی این کشور از بین رفت و از دیگر سو، بیش از هفت هزار کیلومتر از مرزهای این کشور در وضعیت مبهمی قرار گرفت (Song, 1982). روسیه برای گذار از شوک فروپاشی شوروی و احیای موقعیت قدرت از دست رفته در تقابل بود. در آسیای مرکزی دولت هایی تأسیس شدند که پایه های اقتصادی، ایدئولوژیک و سیاسی آن ها به شدت ضعیف بود و با چالش های امنیتی پیچیده ای مواجه بودند. فروپاشی شوروی به نیروهای فروملی و به ویژه گروه های تروریستی مجال داد تا قدرت دولت را در پهنه وسیعی از اوراسیا به چالش بکشند. رها شدن افغانستان در جنگ داخلی در دهه ۱۹۹۰ این کشور را به کانون امنی برای نیروهای تروریستی و اشاعه این جریان ها به پهنه اوراسیا تبدیل کرده بود (Mackerras & Clarke, 2009).

در چنین وضعیتی رژیم شانگهای یا آنچه به «شانگهای پنج» مشهور شد، با اهداف امنیتی در ۱۹۹۶ و با محوریت چین و روسیه شکل گرفت. در دهه ۱۹۹۰ مهم ترین هدف تشکیل آنچه بعدها سازمان همکاری شانگهای نام گرفت، مشخص کردن مرز چین با کشورهای آسیای مرکزی و روسیه، پایان دادن به یکی از طولانی ترین مناقشات مرزی و ایجاد زمینه جدیدی برای همکاری بود. با حل و فصل موفقیت آمیز این موضوع، رژیم شانگهای گام مهمی به سوی نهادینگی برداشت. سازمان همکاری شانگهای در ابتدای قرن ۲۱ و مقارن با حادثه ۱۱ سپتامبر، که تروریسم را در کانون سیاست بین الملل قرار داد، متولد شد (SCO, 2001)؛ از همین رو، دومین دستور کار کلیدی این سازمان شکل دهی به قواعد و رویه های مقابله جمعی با تروریسم بود، مقابله ای که در دهه نخست قرن ۲۱ در قالب شعار مبارزه با «سه نیروی شیطانی تروریسم، تجزیه طلبی و افراط گرایی» به هدف کانونی این نهاد تبدیل شد (SCO, 2005). مهم ترین رکن ساختاری این سازمان با عنوان ساختار منطقه ای ضد تروریسم^۱ شکل گرفت و به همکاری میان کشورهای عضو برای مقابله با تروریسم شکل داد.

به دیگر سخن، اغلب اسناد امنیتی و سیاسی سازمان را، که به رژیم امنیتی آن شکل می دهند، موافقت نامه ها، کنوانسیون ها و پروتکل ها در زمینه مبارزه با تروریسم، تجزیه طلبی و افراط گرایی تشکیل می دهند. فراتر از منشور سازمان، که بنیان آن را شکل می دهد، کنوانسیون مقابله با تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی^۲ و موافقت نامه ساختار ضد تروریستی منطقه ای را می توان از مهم ترین اسناد سیاسی و امنیتی سازمان به شمار آورد. کنوانسیون مقابله با تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی تعاریف مشخصی از این سه مقوله ارائه کرده و برای همکاری کشورها اصولی بیان کرده است. کشورها در صورت عضویت باید به این تعاریف و الزامات همکاری در این حوزه ها متعهد شوند (SCO, 2007). موافقت نامه ساختار ضد تروریستی منطقه ای، که به منظور اجرایی شدن کنوانسیون مقابله با تروریسم، افراط گرایی و تجزیه طلبی در ۲۶ ماده تدوین شده است، تنها ساختار الزام آور و مهم ترین دستاورد این سازمان محسوب می شود. به دیگر سخن، «نهادینگی» رژیم شانگهای به طور کلی در قالب این موافقت نامه متجلی و البته محدود می شود. در قالب این موافقت نامه، ساختار ضد تروریستی منطقه ای شخصیت حقوقی یافته و کارویژه های دوازده گانه ای برای آن تعریف شده است. این کارویژه ها عبارتند از:

۱. تدوین پیشنهادها و توصیه ها برای تقویت همکاری زیرمجموعه های سازمان شانگهای در مبارزه با